

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۶۹۷

ایسکرا

Tel: 0046720077654 تلفن تماس با ما

۲۴ مهر ۱۳۹۲، ۱۶ اکتبر ۲۰۱۳

سردبیر عبدال کلپریان

به مناسبت بیست و دومین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران

هایی که هم اکنون انسان به آن دست یافته است تلاش، تفکر و نیروی کار میلیونها انسان در یک پروسه تاریخی می باشد. هنگامی که به تحولات عظیم مادی پیشرفت فکری و سرمایه های بیشماری که توسط انسانها در طول تاریخ انباشته شده است

زندگی خویش در جهت رفاه و آسایش برای ادامه حیات بوده است. او تنها موجودیست که با استفاده از قدرت تفکر و نیروی کارش و با غلبه بر قوای طبیعت، زندگی خود را در طول تاریخ و به مرور زمان از توحش و غارنشینی به تمدن و شهر نشینی تغییر داده است. همه امکانات و پیشرفت

بهنام رازی

در میان تمام موجوداتی که بر روی کره زمین زندگی می کنند، انسان بیشترین تغییر را در طبیعت بوجود آورده است. این موجود بی نظیر و پیچیده از بدو پیدایشش بر روی زمین در حال تغییر محیط پیرامون و شیوه

صفحه ۳

یک موفقیت مهم دیگر برای کارگران فولاد زاگرس

شهرستان قروه نیز رای مشابهی صادر کرده بود اما کارفرما با عدم تمکین به رای این هیات، شکایتی را تسلیم هیات اختلاف نمود

هیات حل اختلاف اداره کار شهرستان قروه رای به ابقا بکار این کارگران و پرداخت کلیه معوقات آنان داد. قبلا در شهریور ماه سالجاری هیات تشخیص اداره کار

هیات حل اختلاف اداره کار شهرستان قروه رای به ابقا بکار کارگران فولاد زاگرس داد پس از گذشت بیش از سه ماه از اخراج کارگران فولاد زاگرس،

صفحه ۲

مرگ سحر چوینی خودکشی یا تجاوز و ضربه مغزی؟



صفحه ۶

می نگرند. دانشجویان در همدان اعتراضاتی را برای روشن شدن حقیقت این مرگ آغاز کرده اند.

لیل زریبار در نوشته ای تحت عنوان "مرگ سحر از جنسی دگر" به نکاتی اشاره دارد که بخشهایی از آن چنین است: در این چند سال اخیر، با وقوع

اخبار روز نوشته است: سحر چوینی دختر مریوانی دانشگاه همدان در اتاق خود در خوابگاه درگذشته است. گزارش های ابتدایی ناشی از مرگ بر اثر ضربه مغزی بوده است. بعدا گفته شده که او خود را حلق آویز کرده است. نه مردم مریوان و نه دانشجویان دانشگاه همدان این ادعا را با تردید

تابو/ مجموعه مباحثی درباره مسائل و مشکلات زنان در کردستان/بخش دوم: خود شناسی زن صفحه ۵

مختصری از تاریخ یک دوره /بخش سی و یکم صفحه ۷

حجاب و نرمش قهرمانانه/عبدال کلپریان صفحه ۸

از کنگره ملی کرد تا کنگره اسلامی دمکراتیک

کنگره "اسلامی دمکراتیک" با خود به بیرون زندان آوردند، این بار اوچلان همچون يك آخوند به پیغمبر اسلام صلوات فرستاده و خواهان تجمع و کنگره اسلامیها شد!



محمد آسنگران

به گزارش فروات نیوز سایت وابسته به پ.ک.ک روز دوشنبه ۱۴ اکتبر ۲۰۱۳ هیئت حزب ب.د.پ شامل پروین بولدان جانشین رهبر این حزب و ادريس بالوکن از اعضا رهبری آن در زندان امرالی با اوچلان ملاقات کردند.

روز دوشنبه نمایندگان که اوچلان را در بازداشتگاه او دیدار کرده بودند، پیام او برای تشکیل

صفحه ۲

نگاه هفته

مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان

نسان نودینیان



آینده ساز کشور در این استان را در خطر نابودی قرار داده است». و با باز شدن مدارس «مرتضی رئیسی رئیس سازمان نوسازی و تجهیز مدارس ایران در گزارشی از وجود ۱۵۰ هزار کلاس درس که به سیستم حرارت مرکزی مجهز نیستند، نام برد. این خبر تحت عنوان "یک و نیم میلیون دانش آموز ایرانی در خطر مرگ آتشین" در سایت خبری عصر ایران منتشر شده بود. «نا امنی ساختمانهای مدارس عدم امکانات کافی حرارتی را ضرریدر هزینه بالا کنید. چیزی بجز فشار مالی حاصل این وضعیت نیست. همه خانواده های دانش آموزان يك صدا

ایمنی و حفظ جان و ادامه تحصیل دانش آموزان را فراموش نکنیم!

بیشترین عدم امنیت جانی در مدارس شهر و روستاهای کردستان وجود دارد. نباید بگذاریم فرزندانمان در اثر ناامنی محیط مدارس و عدم ایمنی ساختمانهای مدارس تلف شوند! زخمی و راهی بیمارستانها گردند! از تحصیل محروم شوند! هنوز شوك فاجعه مدرسه شین آباد تمام نشده، مقامات جمهوری اسلامی اعلام کرده اند «وجود ۱۹۰ باب مدرسه واقع در حاشیه راههای آذربایجان غربی و بی توجهی به ایمن سازی و آشکار سازی جان نزدیک به ۴ هزار

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ از کنگره ملی کرد...

مشکلات بزرگ و لاینحل ترکیه معرفی کرد.

آن نمایش وحدت و همدلی و یا پیروزی و حل مشکلات، اما بعد از چند ماه که از آن "توافقات و آن جشن بزرگ" میگذرد، عملاً برای مردمی که اسیر سیاستهای شوینیستی دولت ترکیه هستند، چیزی در بر نداشت. اتفاق مثبتی در زندگی مردم نیفتاد و کل نیروهای پ.ک.ک نیز در یک سردرگمی و ابهام و انتظار بسر بردند و قدم به قدم ناچار به عقب نشینی از خاک ترکیه شدند و در شمال عراق در کنار برادران ایرانی خود اردوگاه نشین شدند.

در آن زمان رهبری پ.ک.ک.ک علیرغم قبول آن سیاست، در کوههای قندیل هنوز گیج و منگ چشم انتظار نتایج این تصمیمات بود. تنها راهی که میتوانستند انتخاب کنند پذیرفتن تمام و کمال حرفهای اوچلان بود. زیرا نه افقی برای ادامه شرایط جنگی داشتند و نه امکان پیروزی برای خود متصور بودند. بی افقی پ.ک.ک.ک و اوچلان یک پدیده واحد بود که از عوامل سیاسی و تاریخی معینی نشأت میگرفت. با این حال همه رهبری پ.ک.ک.ک نمیخواست به این شکل دست و پا بسته تسلیم خواستهای حکومت ترکیه بشود. آنها خواهان مذاکره و سازش بودند اما در عین حال تضمین هایی را میخواستند که از دولت ترکیه بگیرند. ولی با ابلاغ پیام اوچلان همه آنها ناچار به سکوت و قبول آن پیام شدند.

پ.ک.ک.ک برای اینکه این سازش و عقب نشینی را پیروزی خود جلوه بدهد جشن پیروزی گرفت. اردوغان هم این فرصت را پیدا کرد که به مخالفین مذاکره با پ.ک.ک.ک یعنی ناسیونالیستهای افراطی و آتاتورکیستها بگوید در مقابل دادن هیچ امتیازی پ.ک.ک.ک را ناچار به ترک خاک ترکیه کرده است. در چند ماه گذشته همه ناسیونالیستهایی که جشن گرفتند و همه کسانی که "درايت" اوچلان را ستودند اکنون باید متوجه شده باشند که رو دست خورده و سیاست اردوغان را نشناخته و بی افقی ناسیونالیستهای

کرد را تشخیص ندادند.

در جریان این تحولات و سر درگمی تنها ناسیونالیستها گیج نشدند، از میان "چپها" هم کم نبودند که اتفاقات ترکیه را به همین سبک سطحی و محدودنگرانه تحلیل کردند و از تصمیم "عاقلانه" اوچلان استقبال کردند. نیروهایی که در ایران و یا کشورهای دیگر این وقایع را پیگیری میکردند، کسانی هم از چپها بودند که آنقدر پ.ک.ک.ک را قدرتمند میدانستند سیاست "تسلیم" آنها را نامتناسب با قدرت اجتماعی پ.ک.ک.ک تحلیل میکردند. اما آنچه عیان بود محدودنگری مدافعین و گویندگان این نوع ارزیابی ها بود. زیرا تحلیل آنها از مولفه های پایه ای و طبقاتی و جنبشی ناشی نمیشد. آنها در خوش بینانه ترین حالت مشاهدات روزمره خود و اخبار سطحی میدیا را مبنای سیاست خود قرار داده بودند.

این دسته از تحلیلگران به دلیل متد غلط و محدودنگری سیاسیشان هنوز متوجه بی افقی جنبش ناسیونالیستی کرد نیستند که مهمترین عامل همه این اتفاقات بوده است. میگفتند پ.ک.ک.ک یک نیروی بزرگ در کردستان ترکیه است و باید به نیروی مردم معترض اتکا کند و... همین انتظار نشان میداد که آنها چه توقعی از ناسیونالیستها دارند.

با این حال پ.ک.ک.ک سعی کرد در بقیه بخشهای کردستان و از جمله ایران و عراق و سوریه نیز جای پای باز کند. منهای سوریه که تحولات آن تابع مولفه های جهانی است، سیاست پ.ک.ک.ک.ک بی افقی و چرخه تسلسل جنگ و سازش و... عملاً تلاش آنها در ایران و عراق را خیلی زود به بن بست رساند. شکست سیاستهای پ.ک.ک.ک.ک در ترکیه و ایران و عراق ناشی از تناقضات پایه ای تر این جریان است.

در مدت چند ماه گذشته تمام آن توهمات و جشن پیروزی پ.ک.ک.ک.ک حاشیه ای شد و اکنون جایش را به یاس و نا امیدي برای اوچلان و پ.ک.ک.ک.ک داده است. اما در این سازش و مصالحه اردوغان تضعیف

از صفحه ۱ یک موفقیت مهم دیگر...

و بدون ارائه مستندات مبنی بر صحت ادعاهایش در مورد تعطیلی کارخانه و ضرر و زیان مالی خواهان ابطال رای هیات تشخیص اداره کار شهرستان قروه شد.

۲۳۵

کارگر فولاد زاگرس ۱۸ تیر ماه سالجاری از کار خود اخراج شدند و کارفرما تلاش کرد با همکاری استانداری کردستان و اداره کار بطور غیر قانونی این کارگران را به بیمه بیکاری وصل کند اما کارگران فولاد زاگرس در مقابل خواستهای کارفرما و اداره کار ایستادگی کردند و با برپایی تجمعات اعتراضی در مقابل مجلس شورای اسلامی و دیگر نهادهای مسئول و همچنین تسلیم شکایتی به اداره کار شهرستان قروه خواهان بازگشت بکار و پرداخت کلیه معوقات خود شدند. در این میان ۲۴ کارگر اخراجی با تلاشهای کارفرما و همکاری اداره کار قروه به بیمه بیکاری وصل شدند.

کارگران فولاد زاگرس بیش از سه ماه مبارزه ای متحد و قدرتمند را به پیش بردند و با ایستادگی در مقابل انواع تهدیدها و فشارهای مختلف اجازه ندادند حقوق انسانی شان قربانی بند و بست کارفرما و حامیانش شود. ما با ابراز مسرت فراوان از پیروزی کارگران فولاد زاگرس، این موفقیت را حاصل اتحاد، ایستادگی و عزم و اراده محکم این کارگران میدانیم و آنرا صمیمانه به یکایک این دوستان تبریک میگوئیم.

بر اساس آرا هیات تشخیص و هیات حل اختلاف اداره کار شهرستان قروه ۲۱۱ کارگر اخراجی فولاد زاگرس می باید در کارهای خود ابقا شوند. در رای هیات حل

شده در داخل ترکیه، قویتر از همیشه در مقابل پ.ک.ک.ک خود نمایی کرد. آنچه تا کنون عاید پ.ک.ک.ک شده است شکست سیاستها و استراتژی این جریان است. این شکست هم صف پ.ک.ک.ک را دچار انشقاق میکند و هم دلسردی و یاس را در کل جنبش ناسیونالیستی دامن خواهد زد. همه این اتفاقات خود ناشی از بی افقی جنبش ناسیونالیستی کرد است.

اوچلان در قدم اول برای حقانیت بخشیدن و تثبیت سیاست سازش با دولت ترکیه تعجیل در تشکیل "کنگره ملی کرد" داشت. امروز برای حل مشکلات کردستان سوریه

"کنگره اسلام دمکراتیک" را فراخوانده است. باید دید آیا این بار هم جریانات بی افق کردستان به بهانه "حل مسایل کردستان و دخالتگری" در کنگره اسلام دمکراتیک اوچلان هم شرکت میکنند یا این بار آش چنان شور است که عطای خوردن آنرا به لقایش میبخشند. ۱۴ اکتبر ۲۰۱۳ * * (راهزن اسمی است که پ.ک.ک.ک و حزب برادرش پی.دی.د در سوریه خطاب به جریانات تروریست اسلامی بکار میبرند. این اسم گذاری به منظور احتراز از اسلامی نامیدن این تروریستها است)

"اوچلان همچنین در مورد حل مشکلات کردستان سوریه تاکید کرد که برای مقابله با "راهزنان" * * باید کنگره "اسلامی دمکراتیک" در کردستان سوریه برگزار شود. اوچلان تاکید کرده است که باید راه و رسم پیغمبر اسلام الگو باشد!؟"

چشم ناسیونالیستهای کرد این بار به دفاع اوچلان از راه و رسم پیغمبر اسلام روشن باد. اوچلان "میلیتانت و صاحب سبک ویژه" که تفاوتش با بقیه همکیشان خود سازش "ناپذیری" بود اکنون با پناه بردن به اسلام و پیغمبر، قرار است پرچم کردستانش رنگیتر هم بشود و فراد باید منتظر عنکوبیتی در وسط پرچم کردستان هم باشیم.

پیام اوچلان که از طریق پروین بولدان به بیرون آورده شده، البته دو بخش مجزا دارد. او نخست در مورد داستان توافق پ.ک.ک.ک.ک با ترکیه چنین میگوید:

"اوچلان برای دیالوگی هدفمند چشم به انتظار پاسخ حکومت ترکیه است. اوچلان تاکید کرد که نباید وقت را از دست داد و باید حکومت از فرصت استفاده کند جوابی به من بدهد. "این چندمین بار است که اوچلان و پ.ک.ک.ک خواهان پاسخ دولت ترکیه هستند و دولت ترکیه هم با رفتاری تحقیر آمیز بدون توجه به آنها کار خود را میکند.

پیام "صلح و آشتی" اوچلان در نوروز گذشته در یک مراسم بزرگ در شهر دیاربکر کردستان ترکیه اعلام شد. دولت ترکیه و حزب ب.د.پ.ک.ک که حزبی قانونی در کردستان ترکیه و هم پیمان پ.ک.ک.ک است، تمام سعی خود را کردند که مراسم هر چه بزرگتر برگزار شود. این مراسم بزرگ اساساً یک قدرتمنایی در مقابل مخالفین احتمالی این سیاست اوچلان بود. رهبری پ.ک.ک.ک سیاستهای اعلام شده اوچلان را پذیرفت. اوچلان این جشن را بعنوان جشن پیروزی سیاست خود به افکار عمومی ارائه داد و اردوغان هم خود را به عنوان خیر خواه و حلال

به مناسبت بیست و دومین سالگرد...

از صفحه ۱

می نگریم، هنگامی که به تلاش چند هزارساله انسان برای دستیابی به زندگی بهتر نظر می افکنیم، توقع ما از دنیای امروز جز این نمی تواند باشد که همه انسان ها باید از تمام امکانات و مزایای یک زندگی خوب، مرفه و بدون هیچگونه مشکلات اقتصادی، بهداشتی، آموزشی و... برخوردار باشند. اما با کمال تعجب میبینیم که انسان های عصر ما با وجود همه پیشرفت ها و همه امکانات و سرمایه هایی که از گذشتگان برایشان به ارث رسیده، نه تنها نتوانسته اند به این درجه از خوشبختی و رفاه دست پیدا کنند، بلکه هنوز انسان هایی در گوشه و کنار جهان هستند که از گرسنگی میمیرند، در حالیکه سالانه مقدار بسیار زیادی از مواد غذایی در نقاط مختلف جهان به خاطر اینکه تاریخ مصرفشان به پایان رسیده است دور ریخته می شود. هنوز انسانهایی وجود دارند که به خاطر نبود بهداشت و محیط زندگی مناسب به انواع بیماریها دچار می شوند و جان خود را از دست می دهند، درحالیکه انسان درجهان امروز با امکانات پزشکی که در اختیار دارد می تواند از این فاجعه جلوگیری کند. هنوز انسان هایی پیدا می شوند که صبح تا شب کار می کنند و جان می کنند و از جانشان مایه می گذارند تا بوسیله حقوق بخور نمیری که دریافت می کنند بتوانند خود و خانواده شان را زنده نگه دارند. هنوز هم انسانهایی هستند که شب ها هیچ سرپناهی برای استراحت و خواب ندارند و در گوشه پارک ها و خیابان ها می خوابند. این همه بی نظمی و این همه بی عدالتی و نابرابری از آنجا ناشی می شود که نظام سرمایه داری اساس تولیدش نه برای رفع نیازهای انسانی و نه برای رفاه و آسایش انسان، بلکه برای بدست آوردن سود است. اینگونه نابرابری ها را به غیراز جنبه های اقتصادی، در جنبه های دیگری هم می توان مشاهده کرد. نابرابری زن و مرد، بی حقوقی کودکان، نبود امکانات آموزشی و بسیاری مسایل دیگر. هنوز هم در بسیاری از کشورها، زن جزو انسان محسوب نمی شود و هنوز هم در بسیاری از

مناطق دختران ۹ ساله را به زور وادار به ازدواج می کنند و صدها نمونه دیگر از این بی حقوقی ها و نابرابری ها را می توان نام برد. اینها همه واقعیات جهان امروز هستند و مشاهده چنین صحنه ها بی ما را در مقابل چند سوال اساسی قرار می دهد:

مگر تلاش و کوشش انسان در طول تاریخ برای رفاه و آسایش و بهتر زیستن نبوده است؟ چرا پیشرفت در تولید، علم و تکنولوژی برای انسان خوشبختی و رفاه و آسایش نمی آورد؟ چرا با وجود اینهمه ثروت و امکاناتی که در جهان امروز موجود است، هنوز با مشاهده اینگونه صحنه های دلخراش مواجه می شویم؟

بر خلاف ادعاهای کارشناسان و اقتصاددانان نظام سرمایه داری که جوایز بسیار پیچیده و مبهمی برای گمراه کردن اذهان مردم و بویژه طبقه کارگری دهند، جواب این سوالات بسیار ساده است. به این دلیل ساده که در طول تاریخ و از زمان پیدایش طبقات، همیشه اقلیتی مفتخور به شیوه های مختلف در نقش طبقات حاکم با استثمار و به بردگی کشاندن انسان های دیگر مانند یک انگل از حاصل دسترنجشان ارتزاق کرده و بر آنان حکومت کرده اند. این طبقات استثمارگر برای تثبیت قدرت و گسترش دامنه حکومتشان، همان انسان هایی را که به بردگی گرفته اند به جان هم انداخته و به نام مذهب و آیین و میهن و ... جنگ های بسیاری را سازمان داده و جنایات زیادی را مرتکب شده اند. این شیوه حاکمیت طبقات حاکم را هم در دوران برده داری و هم در دوران فئودالی بخوبی می توان مشاهده کرد.

با فرارسیدن انقلاب صنعتی و پیدایش نظام سرمایه داری اینگونه استثمار، فقر، گرسنگی، ظلم و جنایت و جنگ و کشتار و نابرابری و بی حقوقی به شیوه ای مدرن تر و در عین حال کثیف تر همچنان ادامه دارد. بورژوازی با از میان بردن تمام اشکال نظام فئودالی تحولات

عظیمی در شیوه تولید و در زندگی انسان ها بوجود آورد و در عین حال هم باعث پیدایش طبقه ای جدید شد. طبقه ای که بجز فروش نیروی کارش چیزی برای امرار معاش و زنده ماندن ندارد و هم اکنون اکثریت جامعه را دربر می گیرد. طبقه ای که تمام ثروت جامعه را تولید می کند. اما خودش از دسترسی به امکانات و وسایلی که خود تولید می کند محروم مانده است. یک اقلیت کوچک با در اختیار گرفتن وسایل و ابزارهای تولید و ثروت جامعه، همچنین با در دست گرفتن قدرت سیاسی مشغول استثمار و حکومت بر اکثریت انسانها و طبقه کارگر می باشد و هر گونه اعتراضی را به وسیله دولت و نیروی نظامی و پلیس که خرج آن را هم از سرمایه های حاصل از نیروی کار طبقه کارگر می پردازد، به شدت سرکوب می کند.

اینجاست که کمونیسم به عنوان جنبشی که هدف آن رهایی طبقه کارگر و کل جامعه از یوغ بردگی نظام ضد انسانی سرمایه داری و از میان بردن هر گونه نابرابری و استثمار است، قد علم کرده و مبارزه خود را علیه این نظام آغاز کرده است.

همچنان که از بدو پیدایش بشر تا کنون تمام پیشرفت ها و دگرگونی های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و تغییر سیستم های اداره جهان توسط انسان انجام شده است. باز هم این انسان است که باید با پراتیک خود برای تغییر وضع موجود و پایان دادن به هرگونه استثمار و بی عدالتی و نابرابری تلاش کند. این نظام ضد انسانی و استثمارگر، باید با قدرت طبقه ای از میان برداشته شود که با آزاد کردن خود تمام اشکال استثمار را از بین برده و تمام طبقات را محو خواهد کرد و به این معنی کل جامعه را آزاد خواهد کرد. اما بورژوازی هم بیسکار نشسته و با تمام امکاناتی که در اختیار دارد مانع تغییر وضع موجود و متشکل شدن طبقه کارگر و به قدرت رسیدن آن می شود. نمونه این تلاش همه جانبه بورژوازی را در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ می توان بخوبی مشاهده کرد.

انقلاب اکتبر به رهبری لنین، بزرگترین انقلاب کارگری در تاریخ جنبش کمونیستی بوده که در سال

۱۹۱۷ در روسیه تزاری شکل گرفت و این نوید را به کارگران داد که دنیا را دگرگون خواهد کرد و برابری و آزادی را برای همه انسان ها به ارمغان می آورد. اما متأسفانه این انقلاب با نفوذ گرایش های بورژوازی در صفوف انقلابیون شکست خورد و به جای استقرار یک حکومت کارگری به سیستمی برای برپایی سرمایه داری دولتی و ایجاد روسیه ای قدرتمند بدل شد. این امر باعث شد که سال ها بورژوازی به اسم کمونیسم استثمار طبقه کارگر و زحمتکش را ادامه دهد و مهر تمایلات و اهداف بورژوازی خود را بر تمام جریانات چپ جهان بکوبد. آموزه های مارکس به فراموشی سپرده شده و مانیفست کمونیست کنار گذاشته شد. همه احزاب چپ در تمام نقاط دنیا تحت تاثیر اتحاد شوروی و سیاستهایش قرار گرفتند و این وقایع باعث دور شدن احزاب چپ از کمونیسم واقعی و خواسته های طبقه کارگر شد و در نتیجه یک وقفه طولانی را در جنبش کمونیستی جهان بوجود آورد. این روند تا زمان فروپاشی شوروی و بلوک شرق ادامه داشت و تاثیرات مخربش را بر تمام جریانات چپ گذاشت.

با پایان جنگ سرد و فریاشی شوروی و بلوک شرق، در حالی که بورژوازی پایان کمونیسم را اعلام کرده و از آن یک تصویر وحشتناک و مخوف در پیش چشم جهانیان ساخته بود و به خیال خودش این پیروزی بزرگ را جشن می گرفت، یک جنبش کمونیستی با تئوری و ادبیات قدرتمندش که از سال ۵۷ وارد صحنه سیاست ایران شده بود و با تفدهای عمیقش ماهیت سایر احزاب چپ و همچنین اتحاد شوروی را فاش ساخته بود، وارد میدان شد. فروپاشی شوروی و بلوک شرق نه تنها پایان کمونیسم نبود بلکه امکانی را برای کمونیسم واقعی فراهم کرد که خود را از زندانی که توسط احزاب چپ سنتی برایش ساخته بودند رها کرده و پرچم سرخش را با افتخار و غرور بی مانندی به اهتزاز درآورد.

کمونیسم کارگری که در طول پروسه شکل گیریش بوسیله نقد روشنگرانه و بی تخفیفش با تمام جریانات و نیروهایی که به اسم کمونیسم در صحنه سیاست وارد شده بودند، تسویه حساب کرده و در

جواب تعرض بورژوازی به سوسیالیسم، که پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی دیوار برلین خود را برای جشن پایان کمونیسم آماده می کرد، به میدان مبارزه آمد و پرچم کمونیسم واقعی را برافراشت تا به قدرت های بزرگ بورژوازی ثابت کند که مارکس هنوز زنده است و تنها راه نجات جامعه از چنگال نظام سرمایه داری همان کمونیسم است.

تاسیس حزب کمونیست کارگری در سال ۱۹۹۱ نقطه امیدویی برای طبقه کارگرایان و جهان بود. حزب کمونیست کارگری سوسیالیسم را در مسیر اصلی خود، که همانا رهایی طبقه کارگر و به این اعتبار رهایی تمام انسان ها از استثمار و نابرابری و تبعیض است، قرار داد. حزب کمونیست کارگری سوسیالیسم را که توسط جریانات و احزاب چپ به جنبشی برای توسعه سرمایه داری، امیال ناسیونالیستی و سایر تمایلات بورژوازی تبدیل شده بود به قالب اصلی خودش که درمانیفست کمونیست آمده است و پایه و اساس انسان است برگرداند. و این را منصور حکمت به بهترین شکل اینگونه توصیف می کند:

" اساس سوسیالیسم انسان است، چه در ظرفیت جمعی و چه فردی. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. جنبشی است برای خلاص کردن انسانها از اجبار اقتصادی و از اسارت در قالب های از پیش تعیین شده تولیدی. جنبشی است برای از بین بردن طبقات و طبقه بندی انسانها."

تشکیل حزب کمونیست کارگری یک حرکت بسیار مهم و تاریخی در جنبش کمونیستی ایران و جهان و نقطه شروعی دوباره برای مبارزه با نظام سرمایه داری و تحقق سوسیالیسم است.

بیست و دومین سالگرد تاسیس حزب کمونیست کارگری ایران را به تمام کارگران جهان و به همه انسان هایی که قلبشان برای آزادی و برابری انسان ها می تپد تبریک می گویم.

زنده باد سوسیالیسم، زنده باد حکومت کارگری
۸ مهرماه ۱۳۹۲

میگیرند؛ که هزینه تحصیلی درآمد خانواده را می‌بلعد. میگویند که؛ "تحصیل آن چنان که تبلیغ میشود رایگان نیست" تحصیل در نظام جمهوری اسلامی رایگان نبوده. ثروت در دست يك مشت از حاکمان جنایتکار قرار گرفته. اینها تمام امکانات رفاهی و امنیت ادامه تحصیل تا عالی ترین رشته آکادمی و دانشگاه‌ها برای فرزندانشان را تدارک دیده اند. مقایسه زندگی خانواده های کارگری با درآمد و ثروت حاکمان نظام جمهوری اسلامی پرده از تراژدی فقر سازمانیافته به قیمت ترك تحصیل، تبدیل شدن به کودکان خیابانی، کارتن خوابها، اعتیاد و فحشا، است. "مسئولیت وضعیت و زندگی نکتب بار میلیونها کودکی که دچار بدبختی های مختلف هستند، بعهدہ جمهوری اسلامی است. فاجعه زندگی این کودکان محصول جنایات و غارتگری رژیم است. اما ما مردم، در قبال این محرومیت و این بی حقوقی مطلق کودکان نمی توانیم ساکت بمانیم. به راه انداختن جنبشی سراسری برای تحصیل رایگان، برای تحصیل کودکان در مدارس امن و دادن حداقل يك وعده غذایی گرم به کودکان در مدرسه، برخورداری کودکان از امکانات بهداشتی و درمان رایگان، برخورداری از پوشاک مناسب و لوازم تحصیلی رایگان، از جمله خواسته های فوری ماست. این خواستهایی است که سلامت و امنیت و آینده کودکان ما به آن گره خورده است. تامین این خواسته ها کار دشواری نیست. این خواسته های حداقل و اولیه را باید از گلوی حکومت اسلامی بیرون کشید. فقط يك روز هزینه نیروهای سرکوبگر رژیم برای تامین این خواسته ها برای میلیونها کودک کافی است. فقط هزینه بیت رهبری و بیت دهها آیت الله مفتخور و میلیاردر می تواند این خواسته ها را برای میلیونها کودک تامین کند. حساب بانکی هر کدام از سرداران سپاه و یا دست اندرکاران رژیم می تواند زندگی دهها و صدها هزار کودک را از نکتب و فقر و بدبختی نجات دهد". با این آمارها که توسط نظام جمهوری اسلامی اعلام میشود، بخشهای بزرگی از مدارس

عملا به قتلگاه دانش آموزان تبدیل شده است. ما مردم شهرهای کردستان، کانونهای مدافع حقوق کودکان، فعالین کارگری را به سازماندهی و راه انداختن جنبشی سراسری برای تحصیل رایگان، برای تحصیل کودکان در مدارس امن و دادن حداقل يك وعده غذایی گرم به کودکان در مدرسه، برخورداری کودکان از امکانات بهداشتی و درمان رایگان، برخورداری از پوشاک مناسب و لوازم تحصیلی رایگان، فرامیخوانیم.

سنندج: به گزارش رسیده شرکت «قالب بتن ساز ادیب کردستان» واقع در شهرک صنعتی شماره يك سنندج در مدت ۸ ماه گذشته ۲۳ نفر از کارگران خود را اخراج کرده است. این شرکت دارای ۳۰ نفر کارگر بوده و ۷ نفر کارگر باقی مانده در شرکت، با همان دستمزد ۸ ماه گذشته سختی کار ۳۰ نفر را به دوش می کشند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

مروان: مرگ سحر چوئینی! سحر به خاک سپرده شد. دیشب جنازه سحر چوئینی در میان درد و اندوه مردم شهرمان به خاک سپرده شد امروز همراه دوستم جهت همدردی و عرض تسلیت رفتیم مراسم ختمش خونه مالامال از جمعیت متاثر و عزا دار بود. و مادر و اطرافیانش بسیار ناراحت و بیقرار بودند. دختر دانشجوی مروانی در دانشگاه بوعلی همدان که خیلیها خبر خودکشی اش را پخش کردند. با یکی از اعضای خانوادہ اش دیداری داشتیم و ایشان با اطمینان کامل خبر خودکشی را تکذیب کردند و گفتند آروز سحر در اطاقش تنها بود و هم اطاقیا نش به شهرستان رفته بودند و شب حادثه یکی از دوستانش از او میخواید شب را تنها نباشد و به اطاق آنها برود و سحر میگوید میخواهم درس بخوانم تنها باشم بهتر است. آن شب بعد از زنگ زدن به مادرش میخواید و روز بعد نزدیک ساعت یازده مادرش با او تماس میگیرد و چون جواب نمیدهد نگران شده و با مسئول

خوابگاه تماس میگیرند. متاسفانه بعد از سرکشی جسدش را در اطاق میابند که ظاهرا خود را از میله های تخت حلق آویز نموده. ایشان در ادامه افزودند که کاملا معلوم بوده سحر تلاش زیادی برای نجات جان خود نموده و بادستانش سعی کرده روسری را که دور گردنش پیچیده از گردنش باز کند اما موفق نشده و دستانتاش به دور روسری قفل شده بود و باز نمیشد و به پشت گردنش هم ضربه ای سنگین وارد شده بود. . نمیدونستم چی بگم اشکمون سرازیر شد و از ته دل گریه کردیم يك زمانی دوستی هر وقت قریون و صدقه ام میرفت میگفت قریون اون دل دریابیت برم اما اون دل دریایی اونقدر درد توش لونه کرده دریا که هیچ دیگه ظرفیت به لیوان را هم نداره واز غصه داره میخکشه چه روزای بد و نفرت انگیزه اینروزا خیرا همه تلخ و درد آورہ چه دلتنگم اینروزا (گزارش از کامنتهای فیس بوک)

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران. مرگ تکان دهنده سحر چوئینی را صمیمانه به خانواده اش تسلیت میگویند

سنندج: صبح روز شنبه ساعت ۱۰ صبح در خیابان "چهارباغ" سنندج میان نیروهای شهرداری رژیم و میوه فروشان درگیری به وقوع پیوست. در جریان این درگیری ماموران شهرداری رژیم که با مقاومت مردم و میوه فروشان روبرو شدند، از ترس اعتراض مردم مجبور به ترك محل شدند.

مهاباد: به گزارش "هرانا" نیروهای امنیتی و لباس شخصی رژیم با هجوم به منزل "سلیمان قنبری" ساکن شهر مهاباد، اقدام به تفتیش محل و ضرب و شتم خانواده وی نمودند. همچنین حسین قنبری، ۲۰ ساله فرزند سلیمان نیز توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است. گفتنی است که این اقدام نیروهای امنیتی و لباس شخصی به شکلی زننده و با هدف ایجاد ترس و وحشت، بدون ارائه حکم قانونی و قضایی صورت گرفته است. اتهام مطرح شده از سوی نیروهای امنیتی و لباس شخصی نسبت به خانواده این شهروند "همکاری با یکی از

احزاب مخالف نظام" عنوان شده است.

سنندج: تجمع خانواده زندانیان اهل سنت در مقابل اداره اطلاعات سنندج خانواده زندانیان عقیدتی- سیاسی اهل سنت در مقابل اداره اطلاعات سنندج تجمع کرده و مامورین ایشان را تهدید به بازداشت نمودند. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، روز شنبه ۲۰ مهر ماه تعدادی از خانواده های زندانیان عقیدتی- سیاسی اهل سنت در مقابل ساختمان اطلاعات شهر سنندج تجمع کرده و خواستار آزادی فرزندان شان شدند. یکی از تجمع کنندگان به گزارشگر هرانا گفت:

"تماننده ستاد خبری اداره اطلاعات سنندج با ما با لحن بسیار تندي مقابل ساختمان اطلاعات شهر سنندج تجمع کرده و خواستار آزادی فرزندان شان شدند. یکی از تجمع کنندگان به گزارشگر هرانا گفت: "تماننده ستاد خبری اداره اطلاعات سنندج با ما با لحن بسیار تندي صحیح کرد و گفت: ما که از آمریکا نترسیده ایم از شما هم نمی ترسیم و اگر به این تجمعهایی خودتان پایان ندهید با شدت تمام با شما برخورد می کنیم و نه به زن و نه به بچه هایتان رحم نخواهیم کرد و شما را هم به اتهام همکاری با محاربین زندانی می کنیم". وی در ادامه گفت: "مامورین ستاد خبری اداره اطلاعات در جواب خانواده ها که پرسیده بودند فرزندان ما را به کدام زندان تبعید کرده اید گفته بودند که شما امروز به تحصن خودتان پایان دهید و فردا به شما جواب خواهیم داد. امروز که ما مجدداً به ستاد خبری اداره اطلاعات سنندج مراجعه کرده ایم به ما اعلام کردند که بهروز شاه نظری به زندان سمنان، طالب ملکی به زندان قم، کاوه شریفی به زندان یزد، آرش شریفی به زندان کاشان و شهرام احمدی به زندان اراک منتقل شده اند. ولی این زندانیان تا کنون هیچ تماسی با خانواده های خود نداشته اند و ما نمی توانیم این اطلاعات را تایید کنیم".

روز چهارشنبه ۱۷ مهر ماه ۵ زندانی عقیدتی- سیاسی اهل سنت بنام های شهرام احمدی، کاوه شریفی، آرش شریفی، طالب ملکی و بهروز شاه نظری که همگی در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی محمد مقیسه ای به اعدام محکوم شده اند به نقطه نامعلومی منتقل شدند.

روز يكشنبه ۷ مهر ماه نیز ماموستا کاوه ویسی و مختار رحیمی که با محکومیت اعدام

روبرو هستند، از سالن ۱۰ زندان رجایی شهر کرج به نقطه نامعلومی منتقل شدند و تا کنون خبری از وضعیت ایشان در دست نیست.

۱۶ مهر ۱۳۹۲

(دیوارها را نقاشی کنید! بر تعداد شعارهای سرنگون یاد جمهوری اسلامی بیفزایید! ناراحتی و عصبانیت مزدوران جمهوری اسلامی از شعار نویسی در شهر مهاباد!) به گزارش مکرمان استفاده نابجا از در و دیوار منازل مسکونی، ادارات، مدارس، مغاه ها و ... برای درج آگهی ها، تبلیغات، تصاویر ناهنجار و جملات غیر متعارف در شهرستان مهاباد بیشتر ازهرجایی دیدگان عابرین را به خود خیره می کند که این پدیده نه تنها به زیبایی شهر و منطقه آسیب می رساند و مورد پسند جامعه نیست بلکه به نوعی در معرفی فرهنگ شهر به غیرومی ها به شکل نادرست تاثیر گذار است. بچه ها و کسانی که به تازگی وارد مدرسه شده اند و الفبا را یاد گرفته اند با الگوبرداری از مطالب نابجا و مخرب نوشته شده بر روی دیوار، به ادامه دادن و نوشتن این مطالب بر روی دیوارها اقدام می کنند. هرچند امروزه با گسترش رسانه های جمعی و اینترنت پدیده شوم دیوارنویسی کمتر شده است ولی باز هم افرادی هستند که به انگیزه های متفاوت برای رساندن و انتقال پیامشان به اشخاص نامعلوم، دیوارنویسی را به عنوان بهترین رسانه انتخاب می کنند و حتی شاید پیامی که از این طریق به مخاطبان نشان ارسال می شود عاشقانه و یا مطالب طنز باشد آیا نازبیا کردن چهره شهر با نوشتن سخنان طنز و یا عاشقانه بر روی دیوار برای برقراری ارتباط راه صحیحی است؟ تبلیغات نامتعارف، دیوارنویسی و برچسب های تبلیغاتی چهره زیباسازی شهری را مخدوش کرده است که لازم است نیروی انتظامی و شهرداری با کمک سایر سازمانهای مسئول با اشخاص حقیقی و حقوقی که با دیوارنویسی خساراتی را به مردم وارد نموده و چهره شهر را زشت می کنند؛ برخورد قانونی شود.

بانه شهر بی استخر! آریاباخیر: مدتی است که تنها استخر شنای شهرستان بانه تعطیل است و با



آینده بهتری داشته باشند، ولی در عین حال به خواسته فرزندانشان توجه ندارند که خود او چه می خواهد، در صورتیکه در جوامع اروپایی و غربی از دوران دبیرستان مرتب از دانش آموزان نظر خواهی میشود که علایق و توانایی هایشان را آزمایش کنند.

البته در اروپا هم دانشجوی ممکن است که در یک رشته ای یک سال هم درس بخواند بعد متوجه بشود که به این رشته علاقه ندارد و تغییر رشته بدهد، به همین راحتی منظورم این است که انتخاب را به عهده خود شخص میگذارند که چه می خواهد و این نکته بسیار مهم است. در جامعه ای مانند ایران و تا حد بیشتری کردستان به طور کلی مردم و بخصوص جوانان و به طور خاص تر دختران و زنان حتا نمیتوانند نوع پوشش خود را انتخاب کنند و این جلوگیری از ابراز علایق در نوع پوشش متأسفانه هم از طرف حکومت است و هم از جانب خانوادهها.

شیمای فهیمی: چه موانعی وجود دارد که نمی گذارد یک زن آنگونه که خود می خواهد رفتار کند و زندگی کند؟

فرشته مرادی: در درجه اول ما باید این را در نظر داشته باشیم که ما در مورد زنانی صحبت می کنیم که در یک جامعه اسلامی و بسته و محدود بزرگ شده و بار آمده اند یعنی محدودیت از همان کودکی و در خانواده با دختر متولد میشود، تا زمانی که به عنوان یک انسان بالغ و عاقل وارد اجتماع و بعد هم وارد زندگی مشترک با جنس مخالف خود میشود به طور مثال قانون طلاق را در نظر بگیرید که اگر زنی بخواهد طلاق بگیرد تا زمانیکه همسر او راضی به طلاق نباشد، طلاق انجام نمی شود و حتا اگر طلاق انجام شود بچه ها را به پدر میدهند و مادران در خیلی از موارد نمیتوانند کاری بکنند و قانون هم در این مورد طرف زن یا مادر را نمی گیرد و یا حقی که به مرد داده شده که اگر از لحاظ مالی توانایی داشته باشد میتواند

تابو مجموعه مباحثی درباره مسائل و مشکلات زنان در کردستان بخش دوم: خود شناسی زنان؟

رشد کرده، که همیشه به او امر و نهی شده و یا برعکس در یک خانواده مدرن و با فرهنگ، باز بزرگ شده که از کودکی به او اعتماد به نفس و اجازه ابراز وجود داده شده است.

شیمای فهیمی: در جامعه و خانواده چه توقعاتی از زن وجود دارد؟

فرشته مرادی: مهمترین مساله در مورد توقعاتی که از زن در جامعه و خانواده است این است که، زن باید برای تمام امور منزل آمادگی کامل داشته باشد مانند: غذا درست کردن، تمیز کردن خانه، تربیت بچه و همه اینها را جز وظایف یک زن می دانند و در خیلی از موارد زن حق انتخاب ندارد در صورتی که مردها هم میتوانند و باید در هر کدام از این مسائل و بقیه موارد به زن کمک کنند

شیمای فهیمی: این حق انتخاب که ذکر کردید به چه معنی است؟

فرشته مرادی: حق انتخاب یعنی اینکه زن بتواند بگوید که چه چیزی را می خواهد چه چیزی را نمی خواهد، به طور مثال دختری که در دانشگاه قبول میشود، بعضی از پدر و مادرها هستند که متأسفانه از فرزندانشان و مخصوصاً دختران انتظار دارند که در رشته مورد نظر آنها و در شهری که آنها تعیین میکنند ادامه تحصیل دهد، البته از طرفی هم پدر و مادرها حق دارند چرا که میخواهند فرزندانشان

بخش اول مجموعه تابو در مورد این بود که تابو چیست و چه تابو هایی در جامعه برای زنان وجود دارد و چگونه میتوانیم این تابوها را بشکنیم و از میان برداریم در این بخش می خواهیم در مورد خودشناسی زن صحبت کنیم چون قدم اول برای برداشتن این تابوها خودشناسی و آگاهی به حق و حقوق فردی زنان در جامعه است.

شیمای فهیمی: سوال اولم از خانم فرشته مرادی این است که خودشناسی چیست؟ و خودشناسی زن به چه معناست؟

فرشته مرادی: با سلام و درود خدمت خودشناسی مساله مهمی است و همانطور که شما هم اشاره کردید اگر ما به عنوان زن بخواهیم تابوها را در جامعه برداریم در قدم اول لازم است که خودمان را به عنوان یک زن بشناسیم کی هستیم؟ چه می خواهیم؟ چه چیزی ما را ناراحت می کند؟ چه چیزی خوشحالمان می کند؟ و یکی از نشانه های خودشناسی راضی بودن از زندگی و خوشحال بودن از زندگی خود است. یک علامت دیگر این است که وقتی صبح از خواب بیدار میشوید، احساس خوبی دارید و احساس خستگی و دلنگی نمی کنید غذا به اندازه می خورید نه کم نه زیاد. در مورد مسائل و مشکلاتی که در زندگی است، خودتان تصمیم میگیرید و لازم است این را هم بگویم که خودشناسی به خانواده ای که فرد در آن بزرگ میشود هم ربط دارد، آیا در یک خانواده سنتی و مذهبی

البته نوع شخصیت فردی زنان هم مهم است، یک زنی که شخصیتی منفعل و فرمانبردار را دارد، یا زنی که شخصیتی عصبی و پرخاشگر دارد و همه اشکالها را در دیگران می بیند و خودش را بی عیب و نقص می داند که هیچکدام از این نوع شخصیتها خوب نیستند و باعث میشود که شخص به خودش ضربه بزند، زنان باید یاد بگیرند که برخورد منطقی کنند.

برخورد منطقی یعنی اینکه نظر واقعی و احساس واقعی خودش را ابراز کند، با کمال احترام به طرف مقابل و با بکارگیری جملاتی مانند: خواهش می کنم و من دوست دارم که در مورد مسائلی که من گفتم فکر کنی.

این نکات اگر در نحوه صحبت کردن و بحثها رعایت شود، می توان نتیجه مثبت و خوبی گرفت و کاملاً یک زن را با تمامی خواسته هایش به رسمیت می شناسند. و بطور کلی باید یاد گرفت که با دلیل و منطق بحث کرد و صحبتها را گفت که بتواند تأثیر داشته باشد، البته برخورد منطقی در ابتدا سخت است ولی اگر به آن عادت کنیم بهترین نتیجه را برای خود و اطرافیانمان به همراه دارد و نکته مهم دیگر اینکه اگر ما به عنوان یک انسان برای خود و حق و حقوق خود احترام قائل نشویم دیگران نیز احترامی برای ما ندارند.

شیمای فهیمی: موضوع بعدی که در مورد آن در بخش سوم صحبت می کنیم چیست؟

فرشته مرادی: در بخش بعد می خواهیم در مورد سن بلوغ در دختران و عادت ماهانه و مسائل و مشکلاتی که در این سن وجود دارد صحبت کنیم با سپاس از شما

زن اختیار کند که این با هیچ عقل سالم جور در نمی آید که این مساله کاملاً غیر انسانی و یک برده داری کامل است و متأسفانه زنانی هستند که به دلیل نیازهای مالی مجبورند که تن به این چنین وضعیتی بدهند.

شیمای فهیمی: چه راه حلهایی هست که بشود این مشکلات را حل کرد؟

فرشته مرادی: البته هر مشکلی یک راه حل دارد راه حل این مساله ابتدا خودشناسی است و اینکه زنان بدانند که این حق را دارند که خودشان باشند و حق دارند که نظرات خود را در جامعه بگویند، توانایی و اعتماد به نفس آنها داشته باشند که بگویند این حق من است، بدون اینکه ترس داشته باشند در مورد مشکلاتشان صحبت کنند، همه دختران و زنان همسر برادر و پدر خود را دوست دارند، و می دانند که این تصمیماتی که آنها برایشان میگیرند در واقع به خاطر خوشبختی آنها است، اما در عین حال زنان با این ابراز وجود نشان میدهند که من یک انسانم و به اندازه یک مرد عقل و شعور دارم و می خواهم خودم انتخاب کنم و حتا اگر اشتباه کردم و موفق نشدم اشکالی ندارد.

شیمای فهیمی: البته بعضی اوقات با وجود این صحبتها و بحثها ولی احساس میکنی که تأثیری نداشته و چیزی تغییر نمیکند؟

فرشته مرادی: بله این مشکل اساسی دختران و زنان است، با وجود صحبتها و بحثها همسران پدران و برادران آنها به آنها گوش نمی دهند، در این موارد باید نحوه صحبت کردن را عوض کرد و نحوه تکرار کردن خواستهایمان را تغییر دهیم،

FITNAH

ولیه

مینا احدی	۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳
کیوان جاوید	۰۰۴۴۷۸۶۱۴۷۶۸۶۹
مریم نمازی	۰۰۴۴۷۷۱۹۱۶۶۷۳۱

آدرس پستی

Maryam Namazie
 BM BOX 1616, London WC1N1XX UK
 Email: fitnah_movement@gmail.com
 Blog: http://fitnahmovement.blogspot.co.uk
 Website: www.fitnah.org
 Facebook: www.facebook.com/fitnahmovement

مرگ سحر چوینی ...

مقام و مرتبه، ویا هر بازی دیگر، در پی احقاق حق باشد و شاید هم تسلی بر زخم عزیزان سحر.

در بخش دیگری از این نوشته آمده است:

در لابه‌لای مابقی صحبت‌ها متوجه شدیم که سحر علاوه بر سرزندگی و پویایی و سرشاری از امید و زندگی چه انسانی اخلاق‌گرا و مسولیت‌پذیر بوده است. همیشه مادرشو نوید می‌داده که من آدم موفقی می‌شوم و ... بعد از قبولی‌ش تو دانشگاه این روزها همیشه میگفته: که رشتنام پرستار به و از ترم هفت به بعد بهم حقوق و مزایا میدن، هم کمک حال پدر مهریونم می‌شم و هم سرکی هم به آرزوهای تو هم می‌زنیم، اگر چه بسیاری از شواهد و آثار مکان وقوع این حادثه و بازجویی از خوابگاهیان و مسائل دیگر... حاکی از آن است که مرگ سحر، خودکشی نبوده! ولی بازبا تعمق به شخصیت سحر، به یقین نمی‌تواند یک خودکشی ساده باشد!!

.....

نکات فوق نشان می‌دهد که داستان‌سرایی خودکشی در مورد دانشجویی که سرشار از شوق، نشاط، امید و آرزو بوده است، بی پایه‌تر از آن است که بتوان کسی را با آن فریب داد. گزارشهای دیگری از این حکایت دارد که ابتدا به او تجاوز شده و سپس بر اثر ضرباتی بر مغز بقتل رسیده است. کارنامه مقامات و مسئولین رژیم اسلامی سیاه‌تر از آن است که بتوانند با ادعای او و خودکشی سر کسی شیره بمانند. مردم مریوان، خانواده سحر و دانشجویان دانشگاه همدان بر این ادعا هستند که سحر چوینی بطور مشکوکی و با وارد کردن ضربه به سرش بقتل رسیده است. موارد مشابه زیادی در گذشته نیز وجود داشته است که حتی با اسناد و مدارک روشن و غیر قابل انکار باز



وابسته به فرهنگ و جامعه خاصی است، یا اینکه به دلایل صرف انسانی و حقوقی آن (بویژه در ایران) مورد بحث و پیگیری است.

غرض از این اشاره کوچک، این است که اگر تمام تعبیرها و تصویرها را با توسل به همان شنیده‌ها و تعبیر پیشین بپذیریم، شواهد بسیاری موجود است که مرگ "سحر" از جنسی دگر است!

اگر چه در این چند روز، این رویداد تلخ (مرگ سحر چوینی در خوابگاه علوم پزشکی همدان)، اما و اگرهای بسیاری را در اذهان‌ها بوجود آورد و با رنگ عوض کردن لحظه به لحظه شواهد از همان لحظات اولیه حادثه و سوق دادن آن به سمت وسویی دیگر و اعتراض بویژه دانشجویان به آن، معلوم نیست که اگر بیدادی صورت گرفته است، چطور میتوان وجدان بیدادگر را آگاه ساخت که باید به دور از هر طفره رفتن و یا ترس از به زیر سوال بردن

چند رویداد در مریوان و به ویژه در اطراف مریوان، و بازتاب رسانه‌ای و گاهی هم عامدانه، مریوان به گونه‌ای تعبیر و تصویر شده که گویا به دلایل فقر فکری، فرهنگی، اجتماعی و بعضا هم با اشاره‌هایی کوچک به مشکلات اقتصادی، به مراتب رفتارهای خشونت‌آمیز علیه زنان آنجا صورت می‌پذیرد و همین، چهره خاصی به این شهر بخشیده و رحم و عاطفه رخت بریسته است و والدین و بویژه مردها دائما چاقو به دست یا ساطور به دست در پی کشتن دختران خود می‌باشند و یا اینکه خود با خودسوزی یا حلق آویز کردن خود و یا هر طریق دیگر برای رهایی از تنگناها، از این امر خطیر "کشتن" بهره می‌برند! نگارنده‌ی این متن در پی صحت و سقم این اخبارها و تعبیرها نیست و نه اینکه تا چه حد واقعی و یا احتمال اغراق و بزرگنمایی در آن بازگویی‌ها و پروپاگنده‌ها! چرا که نه هدف این نوشته است و نه اینکه بحث خشونت علیه زنان لوکالی یا منطقه‌ای و یا

نگاه هفته

از صفحه ۴

توجه به این مسئله که هم اکنون نیز در فصل گرم سال هستییم و جوانان و نوجوانان به این مکان ورزشی نیاز مبرم دارند و بعلمت عدم استخر در شهرستان بانه برای شنا به شهرستانهای همجوار (سقز و بوکان) یا رودخانه زاب مراجعه میکنند و این خود خطرات و هزینه‌های زیادی را برای مردم در بر دارد.

کرمانشاه: سخنرانی رفسنجانی با شعار "مرگ بر آمریکا" نیمه تمام ماند

سخنرانی رفسنجانی در کرمانشاه، با تکرار چندباره شعار "مرگ بر آمریکا" از سوی "مردم" حاضر در مراسم نیمه تمام ماند. سردادن شعارهای مرگ بر آمریکا باعث شنیده شدن پراکنده شعارهای دیگر در مراسم و در نهایت بر هم خوردن نظم سخنرانی رفسنجانی شد. هاشمی رفسنجانی با این شرایط ترجیح داد که سخنرانی خود را با این جمله که "فردگی مراسم زیاد است و به همین دلیل سخنرانی خود را همین جا به پایان می‌برم" مراسم را به اتمام رساند. هاشمی چندین بار از مردم خواست که شعارها را متوقف کنند تا وی بتواند به سخنرانی خود ادامه بدهد که اینگونه نشد و وی تصمیم به اتمام سخنانش گرفت.

روستایانی که در مقابل آب پول می‌دهند

شبانۀ روز چهار ساعت آب وجود دارد! در روستای درزیان شهرستان مریوان افرادی با حفر چاه اقدام به فروش آب برای آبیاری کشاورزی می‌کنند، آب آشامیدنی روستای درزیان در شبانۀ روز تنها ۴ ساعت است. روستای درزیان از توابع شهرک هجرت (کانی دینار) در یک کیلومتری این شهر قرار دارد. روستای درزیان دارای ۱۲۰ خانوار و جمعیتی بیش از ۵۰۰ نفر است که بیشتر ساکنان این روستا به کشاورزی و باغداری می‌پردازند.

بانه: نیروهای امنیتی رژیم ۲۴ تن از ساکنین روستای "ساوان" از توابع بانه را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کرده‌اند. روز شنبه ۲۰ مهرماه، یک روز پس از درگیری‌های

مریوان در اعتراض به نابرابری و دست‌درازی به حقوق خود همیشه پیشتاز مبارزه علیه اجحافات، قوانین و اعمال ضد انسانی نهادهای حکومتی در مریوان بوده‌اند. برپایی تجمعات اعتراضی از سوی نهادها و تشکلهای زنان در مریوان می‌تواند پرده از روی واقعه‌ای که قلب همگان را بدر آورد بردارد.

عبدل گلپریان

هم مقامات و مسئولین حکومتی چنین مرگ‌هایی را خودکشی نام نهاده‌اند.

دانشجویان دانشگاه بوعلی همدان و مردم مریوان بحق و بدرست در مقابل مرگ چوینی واکنش نشان دادند. مسئله روشن است اما باید تا روشنتر شدن تمام و کمال مرگ سحر چوینی، تجمعات اعتراضی دانشجویان همدان ادامه داشته باشد. مردم و زنان مبارز

تبعیض علیه زنان یک مشخصه مهم دنیای امروز است. در بخش اعظم کشورهای جهان، زن رسماً و قانوناً از همان حقوق و آزادی‌های محدود و محقری هم که مردان از آن برخوردارند محروم است. در کشورهای از نظر اقتصادی عقب افتاده‌تر و در جوامعی که نفوذ مذهب و سنت‌های کهنه بر نظام سیاسی و اداری و فرهنگی جامعه عمیق‌تر است، ستم‌گشی زن و بی‌حقوقی و فرودستی او در آشکارترین و زمخت‌ترین اشکال خودنمایی میکند. در کشورهای پیشرفته‌تر و مدرن‌تر، و حتی در جوامعی که به لطف جنبش‌های مدافع حقوق زنان و نعره‌های سوسیالیستی کارگری تبعیض جنسی علی‌الظاهر از بخش اعظم قوانین حذف شده است، زن همچنان در متن مکانیسم اقتصاد سرمایه‌داری و سنت‌ها و باورهای مردسالارانه جاری در جامعه، عملاً از جهات بسیار مورد تبعیض و ستم قرار دارد.

مختصری از تاریخ یک دوره / بخش سی و یکم



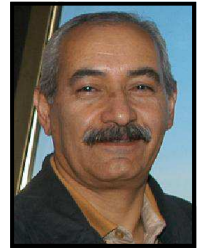
شد. برادرش همانجا در آشپزخانه دفتر چای درست کرد و مقداری میوه هم سر میز گذاشت. هنوز اصل موضوع را مطرح نکرده بودم که با حالتی خنده گفت نکنه می خوامی خلع پولم کنی. حدس می زدم بخاطر همین با من تماس گرفتی.

من هم با همان حالت او و با لبخند جواب دادم و گفتم درست حدس زدی آره اومده ام تا ازت تقاضا کنم که مقداری کمک مالی به کومه له بکنی. بعدش در مورد اهمیت و ضرورت کمک مالی توسط کسی چون او مقداری توضیح دادم و دست آخر گفتم درست این بود خودت داوطلب می شدی و این دلگرمی بیشتری به ما می داد. گفت راستش تنها نگرانی ام این بوده و هست که کسی بو نبرد و کزنه حاضریم با دل و جان کمک کنیم. حالا که کاملاً اطمینان پیدا کردم دیگر خیالم راحت است. با این حرفهایی که زد من دیگر جایز ندیدم مبلغی را که از قبل تعیین کرده بودم عنوان کنم اما خودش گفت چه مبلغ باید کمک کنیم. گفتم خودت هرچه در توان داری و اختیار با خودت است و امیدوارم مبلغی را داوطلبانه تعیین کنی که نیاز به طرح مبلغ تعیین شده من نباشد. مبلغی را که عنوان کرد نصف آنچه بود که مد نظر من بود. یک میلیون تومان در سال ۶۵ مبلغ قابل توجهی بود اما او نیم میلیون تومان کمک مالی کرد. من هم دیگر چیزی نگفتم ازش تشکر کردم. قرار شد شب بعد این مبلغ را در مکانی که تعیین کرده بودم بدست من برساند. دیگر وقت رفتن بود. از من خواست هر کجا که می میگردم کسانی از دستگاه حکومت می خواهند مدرکی ازم گیر بیاورند. به این خاطر بود که دیشب در تلفن اینگونه صحبت میگردم باید ببخشید پوزش می خوام. در جواب گفتم حق داشتی و من اصلاً بدل نگرتم نگران نباش اتفاقاً باید همینطوری جواب می دادی. بعد از چند لحظه فضایی دوستانه برقرار

فردای آن روزتدارک رفتن به محل ملاقات را فراهم کردم. با یکی از نزدیکان قابل اطمینان که وانت باری داشت قبل از تاریخ شدن هوا به اطراف مجتمع رفتیم. می خواستم تا قبل از اینکه هوا تاریک می شود برای اطمینان اوضاع اطراف مجتمع را زیر نظر داشته باشم که مبادا نیروهای رژیم را مطلع کرده باشد. هر چند درصد چنین کاری از سوی او بسیار ضعیف بود. اما محض احتیاط لازم بود این کار را بکنم. اوضاع آرام بود. در محلی در دویرست متری در وردی مجتمع، وانت بار را پارک کردیم. من و همراهم در همان اطراف در گودالی خودمان را مخفی کردیم. بعد از گذشت لحظاتی اتومبیلی به محل شرکت رسید و دو نفر از آن پیاده شدند. همراه او و اتومبیلیش را بخوبی می شناخت و گفت خودش است و آن کسی که با او هست برادرش می باشد. به همراهم گفتم تو برو و در وانت بار منتظر باش من بعداً به تو ملحق میشوم و اگر اتفاقی هم افتاد تو سریعاً منطقه را ترک کن. او رفت و در وانت بار منتظر ماند و من هم آهسته به دروازه مجتمع نزدیک شدم. در آن بسته نبود. داخل شدم و یک راست وارد دفتر کار شدم که مجموعه ای چند اطاقه در یک طبقه بود. به محض وارد شدن و سلام و احوالپرسی، او مرا شناخت و نزدیک آمد و با من دست داد و رویوسی کرد. برادرش هم همینطور. قبل از باز شدن سر صحبت به من گفت واقعا خیالم راحت شد. از دیشب تا حالا درست نخوابیده ام و فکر میگردم کسانی از دستگاه حکومت به این خاطر بود که دیشب در تلفن اینگونه صحبت میگردم باید ببخشید پوزش می خوام. در جواب گفتم حق داشتی و من اصلاً بدل نگرتم نگران نباش اتفاقاً باید همینطوری جواب می دادی. بعد از چند لحظه فضایی دوستانه برقرار

همگانی استفاده کنم. با هم از منزل بیرون رفتیم و در نزدیکترین کیوسک تلفن، او بیرون ایستاد و من برای تماس وارد کیوسک شدم. شماره تلفن شخص صاحب مجتمع تولیدی را داشتم و بهش زنگ زدم.

بعد از احوالپرسی از آنجا که مرا نمی شناخت پرسید شما کی هستی؟ بدون اینکه اسم خودم را بهش بگویم در جواب خیلی محترمانه بهش گفتم من یکی از مسئولین کومه له هستم. شاید از حضور ما در شهر و اطراف شهر مطلع هستید! سپس ادامه دادم و گفتم اگر برایت مقدور باشد ترجیح می دهم حضوری با شما صحبت کنم چرا که هم اطمینان پیدا خواهی کرد که من کی هستم و هم اینکه از طریق تلفن نمی شود در مورد موضوعی که می خواهم با شما درمیان بگذارم صحبت کنم. از آنجا که حدس می زد مبادا از عناصر رژیم یا کسان دیگری این تماس تلفنی را با او گرفته باشند، گفت من شما و کومه له و غیره را نمی شناسم لطفاً هر کاری دارید بیاورید از نزدیک و حضوری حرف بزنید بیستم شما با من چکار دارید؟ گفتم باشه و قرار گذاشتیم که شب بعد به مجتمع او که کمتر از ده کیلومتر از شهر فاصله داشت بروم. برای تضمین جنبه های امنیتی این دیدار بهش گفتم من لباس شخصی می آیم اما در لحظه ای که وارد دفتر شما می شوم نیروهای مسلح ما دور تا دور مجتمع را در محاصره خود خواهند داشت و اگر نیروهای رژیم از تولیدی شما متحمل خسارت غیر قابل جبرانی خواهد شد و بنفع خودتان هم نخواهد بود. باز هم در جواب گفت من این حرفها را نمی فهمم هر کاری دارید و هر کسی هستیید بیاورید از نزدیک رویرو حرفتان را بزنید. می دانستم که دارد پلتیکی می زند و از این نگران است مبادا عناصر رژیم او را دست انداخته باشند و حق هم داشت که اینگونه پاسخ دهد. حوالی ساعت ۹ شب روز بعد در همان محل بیرون از شهر و در دفتر کارش برای قرار ملاقات تعیین کردم. بعد از تمام شدن صحبتهایمان با همراهم به منزل او برگشتیم.



عبدل گلپریان

کمک مالی

بعد از خروج از روستای قولیان خودمان را به روستای نایسر رساندیم. آنجا یک روز استراحت کردیم و شب بعد تیم سه نفره برای مخاربه خبر عملیات فیض آباد به رادیو، از ما جدا شد و تیم دیگر از آنجا به طرف گریزه که در ده کیلومتری شهر سندر بود رفتیم. اینبار مسئله مربوط به تقاضا از افراد و شخصیتهای پولدار برای دادن کمک مالی به کومه له در دستور بود که افرادی ثروتمند در سندر وجود داشتند که ضمن اینکه دل خوشی از رژیم اسلامی نداشتند اما مخالفت یا حرکتی که نشاندهنده ضدیت آنان با ما یا مردم بوده باشد از شان سر نزده بود. این افراد یا صاحب مجتمع و کارخانه ای بودند و یا شرکتها و موسسات خصوصی خود را داشتند و از این راه ثروت و دارایی خوبی برای خود انبوخته بودند. اما از آنطرف کومه له به کمکهای مالی و خوراکی مردم کارگر و زحمتکش منطقه متکی بود. برای تامین بخشی از نیاز مالی، تعداد افراد معینی را بعنوان کسانی که می بایست کمک مالی قابل توجهی به کومه له بکنند دست نشان کرده بودیم. در این بخش تنها به نمونه یکی از این نوع تقاضا و درخواست کمک مالی از ثروتمندان اشاره می کنم. این مورد معین و شیوه برخورد ما به این مسئله گویای موارد مشابه دیگر است.

با رفقا جلسه ای گرفتیم و طرح و برنامه چند روز آینده را مشخص کردیم. قرار شد من برای تماس گیری از طریق تلفن با این افراد به داخل شهر بروم و آنها نیز بعد از

**زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!**

حجاب و نرمش قهرمانانه



عبدل کلپران

.....

حکومت اسلامی از همان روزهای آغازین موجودیت ننگینش تلاش کرد تا با عریده کشی گله های بسیج و حزب الهی اش، "یا روسری یا تو سری" و همزمان با اسیدپاشی، مساجد، پلیس، دولت، قانون، نیروی انتظامی، تهدید، تحقیر، توهین، سرکوب و زندان، صدای حق خواهی و برابری طلبانه زنان را در جامعه خفه کند. حکومت اسلامی بیش از سه دهه است که در مدارس، دبیرستانها، دانشگاهها مساجد و حوزه ها، توسط آخوندهای کپک زده اراجیف عقب مانده و خرافی به خورد زنان، دختران و کل مردم می دهد اما نتوانست زنان را به خانه بفرستد و یا آنان را از اعتراض و مبارزه برای حقوق برابر بازدارد.

زنان و مردان برابری طلب زمانیکه هنوز فنون نرمشهای قهرمانانه باب نشده بود، با اعتراض و مبارزه خود، با گوشمالی دادن حضرات نهی از منکر حساب

اخیرا حسن روحانی در مراسمی در دانشگاه علوم انتظامی امین، در مورد نقش پلیس در نظارت بر پوشش زنان در ایران گفته است: "در مساله حجاب، اگر تذکری لازم است باید از مدرسه، دبیرستان، دانشگاه، مساجد، علما و حوزهها آغاز شود و آخرین مرحله، به تذکر پلیس انجامد."، "پلیس نباید بار همه را خود به دوش بکشد و دولت در این راستا مصمم است پیش قدم باشد و وزارت کشور، طبق وظیفه قانونی خود، در این زمینه پیش قدم خواهد بود. پلیس باید مظهر امتیعت و زدودن تهدید از جامعه باشد نه دولت و نه نیروی انتظامی و پلیس، معلم مردم نیستند و مردم نیز دانش آموز نخواهند بود". روحانی توصیه کرد: "آنجا که پلیس بتواند حضورش را در جامعه کمتر محسوس کند و بیشتر تاثیر بگذارد، شاید برای جامعه فرهنگ دوست ما زیباتر باشد"

از صفحه ۷ مختصری از تاریخ ...

در مسیر راه نتیجه را برایش تعریف کردم و برگشتیم به منزل او. سراسر روز آنجا ماندگار شدم و شب بعد به محل قرار که کمی خارج از شهر بود رفتم. سر وقت او هم به محل رسید. علاوه بر مبلغی که کمک کرده بود يك جعبه شیرینی هم با خودش آورده بود.

ادامه دارد

مقداری صبر کردیم تا آنها از شرکت خارج شدند و سپس ما هم به منزل برگشتیم. همراه از موضوع این ملاقات اطلاع داشت و در حین بازگشت به شوخی از پرسید "بگو ببینم شیرینی یا روباه؟". من هم با لبخند گفتم خودت جواب را پیدا کن. بعد گفت از قیافه ات پیداست برد با تو بوده. خلاصه

ماموران و فاطمی کماندوهای خیابانی را کف دستشان گذاشتند. اکنون که روحانی با توصیه های ولی فقیه برای خریدن عمر بیشتری برای نظام نرمش ها را در سیاست داخلی و خارجی گنجانده است، امکان تعرض بیشتر زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب هموار تر خواهد شد.

بر بستری بحران و بن بست سیاسی اقتصادی و بحرانهای همه جانبه در جمهوری اسلامی، خامنه ای روحانی را مامور پیشبرد نرمش های قهرمانانه کرده است. به هر اندازه که نرمشها فرجه ای برای نفس تازه کردن عمر حکومت منجر شود بر مراتب تعرض و اعتراض مردم علیه وضع موجود بیشتر و قدرتمند تر به میدان خواهد آمد. درکشوری که مردمانش بویژه زنان بیشتر از هر جای دیگر دنیا بشدت از مذهب و قوانین ضد انسانی آن متنفر هستند، نه از نرمش کاری ساخته است و نه از کلید. راهکارها و پند و نصیحتهای اخیر روحانی با بهره گیری از توصیه های نرمش گونه ولی فقیه خطاب به پلیس در مورد حجاب، به معنی اعلام شکست چندین باره سیاستهای سرکوبگرانه دم و دستگاه حکومت اسلامی در مورد تحمیل حجاب بر سر زنان است.

ژستهای روحانی در مورد حجاب زنان و لحن و کلمات او به سبک نرمش قهرمانانه را زنان با مبارزه و اعتراض هر روزه خود در محل کار، دانشگاه، ادارات، مدارس و خیابانها به جانوران اسلامی تحمیل کرده اند. بی گمان زنان و مردان برابری طلب از این فرصتها استفاده کرده و پا را بیشتر لای در خواهند گذاشت و با توقع و انتظارات واقعی و مطالبات بر حق خود به مصادف با حکومتی خواهند رفت که بیش از سه دهه است با شعارهای عوامفریبانه علیه شیطان بزرگ جامعه ای را به تباهی کشانیده است. نرمش قهرمانانه و زیر فرس کردن تدریجی شعار مرگ بر آمریکا، هزینه دارد. نمی توان سی و چهار سال فقر و سرکوب را زیر سایه این شعارها به میلیونها انسان تحمیل کرد و با نرمش قهرمانانه همچنان به عمر خود ادامه داد. با

هر درجه جهش و پرش در میدان نرمش های قهرمانانه، جهش و خیزشهای اعتراضی و توده ای مردم و در نهایت به زیر کشیدن کل حاکمیت اسلامی پاسخ مردم ستمدیده و کارگران به این رژیم بعنوان وصله ای ناجور بر تن جامعه



شبکه تلویزیون نگاه شما

ساعاتی از برنامه خود را به فروش میرساند

علاقتمندان میتوانند با ایمیل و شماره تلفن زیر تماس بگیرند:

ایمیل: negah.shoma@gmail.com

تلفن: ۰۰۱۵۰۴۲۰۶۵۰۰۱

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

هاتبرد

فرکانس: ۱۱۲۰۰

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

FEC: ۵/۶

نگاه شما در GLViz نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

<http://www.glviz.com/>

Negah E Shoma

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون ساعته کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLViz نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

<http://www.glviz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایانتان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۲۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

صفحه بندی: فرزام کرباسی

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: فرزام کرباسی

E- mail: farzam.karbasi@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!